

عنوان مقاله:

ابعاد معناشناختی «باید» در زبان فارسی

محل انتشار:

پژوهش های زبانی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محمد عموزاده مهدیرجی - دانشیار دانشگاه اصفهان

حداث رضایی رضایی

خلاصه مقاله:

باید از جمله مقوله های واژگانی در زبان فارسی است که به طور جدی با مقوله معنایی وجهیت گره خورده و از این روی، دارای ابعاد معناشناختی پیچیده و قابل تاملی می باشد. در مقاله حاضر با بررسی و تحلیل شواهدی از زبان فارسی معاصر، برخی از ابعاد معناشناختی و کاربرد شناختی مقوله باید در این زبان مورد مطالعه قرار گرفته است. این بررسی نشان می دهد که مقوله یاد شده، منتقل کننده طیف گسترده ای از معانی وجهی در زبان فارسی می باشد. در این میان در حالی که معانی وجهی معرفتی مقوله باید بسیار محدود است، این مقوله، دارای انواع مختلفی از معانی وجهی کنشگر محور می باشد. مسئله ای که ظاهراً با تحلیل های در زمانی قابل توجه است. تنوع معانی وجهی باید را می توان با چارچوبی کاربردشناختی، شرح و توصیف نمود و آن را زاینده تاثیر بافت های مختلف بر معنای این مقوله و مرتبط با عناصری چون زمان دستوری و نشانگرهای وجهی دانست.

کلمات کلیدی:

ی: باید، بافت، معانی وجهی، وجهیت کنشگر محور، وجهیت معرفتی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1216041>

